

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جل العتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی
هیراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

کَلِمَاتُ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

شنبه ۱۰ جمادى الاول ۱۳۲۵ هجرى قمرى و ۳ تیر ماه جلالى ۸۲۹ و ۲۲ ژوئن ۱۹۰۷ میلادى

(محا که آصف الدوله و سالار مخم)

(بارغایا در وزارت عدلیه اعظم)

عموم ملت ایران از نزدیک و دور بلکه اغلب ساکن
کره زمین از وقایع چندین ساله خراسان و مظالم
آصف الدوله و حکام جزء خراسان مسبوق اند بسط
کلام در مقدمات این قضیه لازم نیست همین قدر عرض
میکنیم بعد از یک سال و نیم تقلب و عرض و داء خداوند
بحال اهالی خراسان تفضل کرده سلطنت ایران مشروطه
و وزارت عدلیه تا یکدرجه صورت نوعیه پیدا کرد و
پس از چندین ماه مذاکرات در مجلس مقدس شوری ملی
بالاخره قرار بر این شد که در وزارت عدلیه در این
خصوص محاکمه شود و از سایر ادارات که مناسبتی با
این عمل دارند نیز نماینده دروزات عدلیه بفرستند بدین
ترتیب: ازوزارت داخله محتشم السلطنه معاون وزارت
داخله، از طرف وزارت خارجه دوقفر، یکتفرهم کارکنار
فوجان دیگری کارکنار بجنورد از وکلاء مجلس مقدس شوری ملی
شش نفر ذیل: تقی زاده، وکیل التجار، میرزا محمود
کتاب فروش، آقاسید حسین بروجردی، آقاسید مهدی
سقط فروش، حاجی میرزا بابا وکیل فوجان، و از
طرف خود وزارت عدلیه نیز شش نفر باریس اطاق
و معاون رئیس در تحت ریاست وزیر عدلیه هفته دو
روز سه شنبه و پنجشنبه دوساعت از دسته گذشته تظاهر
محاکمه بشود و مجلس نیز علنی خواهد بود

مقدمه عرض کنم ترتیب وزارت عدلیه بکلی بر
خلاف وضع سابق است اطاعتها مرتب، کارها تا درجه
منظم، ملاحظه در کار نیست، رشوه و تعارف گرفته
نمیشود مدعی هر که و مدعی علیه هر کس باشد یکسان

خواهند بود چنانکه در چند روز قبل اهالی یزد از حاج
مشار الدوله عارض بودند رجوع بشرع نموده و در
محضر شرع مشار الدوله نه دفعه قسم خورد. كذلك
حاجی نجفعلی باصف الدوله مدعی شد چون مسئله شرعی
بود رجوع بشرع کرده در اینجا آصف الدوله هم دو
دفعه قسم یاد کرد. شاهزاده خانمی هم متظلم گردید
که وزیر داخله حالیه دونصف دکان مرا که در بازار
کنار حندق واقع است غصباً و عتفا ضبط نموده فوراً
از وزارت عدلیه لایحه احتضاریه که برای عموم مقرر
است برای وزیر داخله فرستاد و در جواب سه روز
مهلت خو استه بود که یا عین ملک را بصاحبش
رد کند یا و کیلی بمحکمه عدلیه بفرستد تا محاکمه شود
بدین ملاحظیات امیدواری ما زیاد واستماع
این قبیل محاکمات مارا تا درجه محرك شد که در
محا که آصف الدوله رفته تفصیل را مسبوق شده برای
مطالبه عموم درج نمائیم. اولاً گسائیکه مسبوق بجراند
خارجه هستند میدانند احداث روزنامه غالباً بهمین
ملاحظیات است و اغلب ستونهای جرائد یومیه بر است از
محاکمات خصوص این گونه وقایع مهمه که نظیر تن
کمتر دیده و شنیده شده است و فی الحقیقه ملت اسلام را
وقوع این گونه حوادث ملامت بلکه عالم انسانیت را
لکه دار مینماید - ملت نیز باید در محاکمات نهایت
دقت و مراقب را داشته اغلب اوقات برای تماشا و
نظارت بایستی در موقع محاکمه حاضر باشند زیرا که
مدار تمدن و ترقی امم و ملل عالم بر استحکام اساس
عدالت است و حفظ عدل اولین وظیفه ملت بیدار است
و چون مرکز این امر دروزارت عدلیه است که نور عدل

از آن لفظه تمام سطح مملکت باید منعکس شود و با وجود هزار مجلس شوری و سنا تا اساس وزارت عدلیه محکم نباشد و محاکمات بطور مساوات و بیطرفی و دقت صورت نگیرد مکن نیست آنملک و دولت ترقی نماید — بدین ملاحظه است که در اروپا خلق در محکمه حاضر شده بسا میشود تمام دیوان خانه پر از جسیت میگردد البته واقعه ترافوس در خراطرها مرکز است که در موقع محاکمه بلندآوازه از دحام میشد که بیلیس مجبور بجلوگیری میگردد — کاتر این جمعیتی که ملت هر روزه در بهارستان مینمایند بعضی اوقات در وزارت عدلیه میشد آخر هر مجلس شوری که صحبت از کیالت آمدن مردم هر روز آنقدرها لزوم ندارد سلما که حلیه لازم باشد یکسال تنگ ابداهمیتی نخواهد داشت تیرا که وضع قانون کمتر قابل تقلبات ولی همه تقلبات و نمانال شدن حقوق در وزارت عدلیه ممکن است واقع شود —

بهر حال روز پنجشنبه هشتم که اولین مجلس محاکمه آصف الدوله و اتباعش بود نظر بکمال اهمیت این بنده بوزارت عدلیه رفته در اطاق مخصوص این قفسه که اطاق (بدایت قادیانی) است مجلس منعقد بود — (باید دانسته وزارت عدلیه بمناسبت قضایا چند شعبه قسمت میشود یکی محاکمه قادی دیگری مرافعه جات ملکی دیگری محاکمات جنایتی دیگری محکمترقی بملاوه محکمه استیناف و هر کدام نیز چند درجه دارند و محاکمه آصف الدوله در محکمه بدایت قادیانی است)

آصف الدوله بمسالار مفخم حاکم سابق بجنوبد را حاضر کردند و بر عدلی مخصوص متهم و مقصر قتل نمودند اجراء محاکمه که حاضر بودند از این قرار است

از جانب وزارت عدلیه هشت نفر : فرما فرما وزیر عدالت السلطنه رئیس اطاق با یک نفر معاون ، حاجی مطیع السلطنه ، ستار الدوله ، افتدار الدوله ، میرزا حسینخان مفتش ، سالار منصور — از وکلاء مجلس : وکیل التجار ، میرزا محمود ، حاجی میرزا بابا وکیل قوچان ، آقا سید مهدی ، از طرف وزارت داخله محتم السلطنه ، از وزارت خارجه دبیر مخصوص منشی و تند نویس وزارت چهار نفر ، رهنماه نویسان سه نفر وکیل التجار — این محاکمه نهایت مهم و شریف است عارض ناموس ملت ، و حروض یکی از اشخاص تیره سیم دولت است استدعاء دارم اولاً حضار طریقه ادب و نرمی و ملایمت را هواره منظور داشته از سلك مقولیت خارج نشوند تا نیچولاب را مطابق سؤال دلت حاشیه نروند و صحبت مقرفه متمایند وزیر — صلح است که این دو مسئله شرط اول

محاکمه و اجراء آن وظیفه خود من است آقا سید مهدی — این مجلس متعلق بشخص بزرگترین مجلس ما است البته احترامات لازم باید کاملاً منظور داشت ، محتم السلطنه — زدن نداریم فقط برای شنیدن و نظارت آما را حاضر کنید و شروع باستنطاق و سنا نماید

میرزا محمود — ما از طرف مجلس نظارت داریم و در مواقع لازم میتوانیم سخن بگوئیم و سنا را اظهار کنیم

وکیل التجار — مطالب خراسان بسیار است یکی را موضوع بحث کرده مخلوط کرده است اول از باب اسراء قوچان گفتگو کنیم وزیر بروید چند نفر از قوچانیها را حاضر کنید . . . دو نفر قوچانی حاضر شده نشاندند . وزیر — فارسی میدانید — قوچانیها — بلی امان — اهل کجاست — اهل نکرال قوچان — یکی علی دیکری یوسف — قوم و خیشی با هم دارید — بلی دائمی زاده هستیم — چند وقت است طهرانید؟ — یک سال و نیم است — رای چه آمده اید — برای استرداد اسراء قوچان که ترکمان برده اند

وزیر — تفصیل واقعه آمدن ترکمان و بردن اسراء را درست می‌م و زیاد بیان کنید

یوسف — ما چادر نشین هستیم و منزل ما زیر چادر است روز چهاردهم رمضان ۱۳۲۳ وقت نماز صبح بود دیدیم همه بلند شد از چادر بیرون آمدیم دیدیم پانصد نفر سوار که از ترکمان و بجنوردی بودند دور ما را احاطه کرده اند از این سوارها تقریباً پانزده نفر بجنوردی بودند و مابقی ترکمان از جمله بجنوردیها کدخداداد قدیشی بود من از او پرسیدم این سوارها کجا میروند بمجرد گفتن این کلمه تفنگ را بسمت من خالی کرد ولی بمن نخورد بپراثرزاده هم زدند نخورد ولی پدرم و خواهر زادام را کشتند خانه همه را غارت کرده هرچه بود بردند چهار سیاه چادر را آتش زدند شصت و دو نفر را با سیری بردند از خانه من پنج نفر از خانه پسر عمویم دوقر و این اسراء زن و دختر و پسر بودند —

وزیر — چقدر اموال بغارت بردند — یوسف — کسیرا که خود شرا بکشند زن و بچه اش را اسیر ببرند چطور میشود دانست چقدر اموالش را برده اند ؟ عجالتاً آنچه معین است چهل و چهار هزار تومان است مقتول هم ۱۲ نفر مجروح چهار نفر وکیل التجار — منزل و مسکن شما متصل است به

بجنورد یا فاصله دارد

جواب — متصل است و زراعت دیم بهم وصل است .
 وکیل التجار — حاکم قوچان انوقت کی بود ؟ جواب
 — امیر حسینخان پسر آصف الدوله انوقت حاکم
 قوچان بود .

وزیر — حاکم بجنورد کی بود ؟

جواب — سالار مخم — وزیر — اورا میشناسی —
 جواب بلی همین شخص است که اینجا نشسته است —
 وزیر — بعد از ورود این قمنیه هائله شرح واقعه
 را بکه اظهار کردید جواب — بحکومت قوچان پسر
 آصف الدوله — چه وقت — بعد از یکروز رقیب
 شیروان تلگرافی بجاکم قوچان کردیم — از محل
 واقعه تا منزل حاکم قوچان چه قدر فاصله بود — دو منزل
 یکی شیروان یکی قوچان — چند فرسخ است —
 ۱۶ فرسخ — سؤال — بحاکم بجنورد اطلاع دادید
 جواب چه فائده داشت که حاکم بجنورد خودش
 از واقعه پیش مسبوق بود همان سوارها را که مارا
 غارت کردند بان و آب میداد — تا بجنورد چه قدر
 راه است ؟ — ده فرسخ — آخر آنها که از چنگ ترکمان
 گریختند هیچکدام برای حاکم بجنورد خبر نبرد ؟ —
 چرا در نزد رحیم داد خان که در (شاه اجاقی) منزل
 داشت و یکفرسخ و نیم فاصله بود رفتیم و خبر هم دادیم
 — اقدامی نکرد — خیر — چند سوار داشت ؟ — پنجام
 شصت فر سوار داشت — خوب چه ترکمنی بودند که بسر
 شما ریختند ؟ — یموت — یموت تا آنجا چه قدر راه
 دارند ؟ — تاخک (اینجه) پنج منزل است دیگر انطرف را
 خبر نداریم — هیچ بیشتر ترکمان بجپاول سر شما
 میامد ؟ — بله بیش از آنکه روس برتر کمان مسلط شود
 و بان حدود بیاید واقع میشود بعد از آن تاریخ ابد چین
 قضیه اتفاق نیفتاده بود مگر یکدهه در عهد شاه شهید
 انهم پس گرفته شد — از پسر آصف الدوله اقدامی
 نشد ؟ — خیر — از حکومت بجنورد چه طور ؟ — خیر —

خوب از چه خاسکی داخل شدند و از چه منازلی
 عبور کردند ؟ — شش منزل در خاک بجنورد آمدند و
 اسم منازلی که در خاک بجنورد آمده اند اینست (سوجه)
 (اینجه) (همن) (خرتوت) (راز) (قدلیش) و
 از قدلیش وارد (ایزمان) شدند که جزء خاک قوچان است
 و از آنجا بسر اوپه و چادر ما که اسمش (چنگان) است
 آمدند و ایزمان با چنگان متصل است — خوب سابق خبر
 داشتید ؟ — اصلا — یموت با شما سابقه عداوتی داشتند ؟
 — چندین منزل فاصله بین ما و آنها است همسایگرا
 نمی شناسیم چه عداوت با ما داشتند — چه طور خط حرکت

آنها را شما فهمیدید که از این منزل ها بوده است ؟ —
 آخر دو نفر از اسرا برگشتند یعنی یکی فرار بروسیه کرد
 و از آنجا بمنزل خود آمد دیگری فرار کرده نزد حاجی
 سبزه علی خان بجنورد آمد که او را فرستاده بمنزل خودش
 — آندو نفر کجا هستند ؟ در ولایت — زنتد یا مرد ؟ —
 یکی زن بود که طفل سه ساله خود را گذارده فرار کرده
 آمد دیگری دختر است —

از بجنورد بیجا پانزده شانزده نفریکه همراه بودند

می شناسید ؟

بلی یکی کدخدا حسن اسمائیه ، دیگری کد خدا
 خدا داد قدلیشی ، غلام حسن کولان ساکن قدلیس . .
 فهمیدید کی سیورسنت بانها میداد — بله دهات
 جلو راه که خاک بجنورد است — ایادر عرض راه تفنگچی
 بود ؟ بلی — خوب آنها در صدد بر نیامدند جلو گیری
 کنند ؟ — چرادونفر از تفنگچیان اصرار و وکیل در صدد
 بر آمدند ولی کدخدا خدا داد و ملا مرتضی قلی و علی
 و حسن و غلام حسین که همه قدلیشی بجنوردی هستند
 آمده آن دو نفر را گرفته دستهاشانرا بسته در خانه حبس
 کردند تا نتوانند ممانعت کنند — محل شما تا قدلیش چه
 قدر است ؟ — دو فرسخ — دشمنی دارید — خیر
 معامله هم داریم و با کد خدا خدا داد دوست هستیم —
 خونی بینتان واقع شد — خیر

بلی اینها همه بدستور العمل حکومت بود و همان
 دو فرقه خواستند ممانعت کردند مفضوب سالار مخم
 شده یکی را هشتاد تومان دیگری را سی و پنج تومان
 جریمه کرد — آیا در محل خود شما تفنگچی هست ؟
 — خیر — اصلا در قوچان سوار دواتی هست ؟ —
 بله پانصد فر — نزدیک بودند ؟ — بله — همه شان ؟
 — خیر یکصد و پنج نفرشان — خوب آنها کمک بشما
 کردند ؟ — آری کریم خان با یکصد سوار آمد ولی وقتی
 رسید که آنها رد شده بودند — خوب این کریم خان از
 طرف خودش آمد یا حاکم او را فرستاد ؟ — خیر حکومت
 اینجا نبود خودش از پیش خود آمد ولی فائده نبخشید —
 وکیل التجار — خوب شما رفتید تلگرافی کردید
 فائده بخشید

جواب — خیر پسر آصف الدوله گفتیم گفت پدرم
 مینویسم و بطرفه گذرانید تا مابوس شده بسزوار آمدیم
 و بتوسط حاجی میرزا حسن مجتهد سبزهوار باصف الدوله
 تلگرافی کردیم جواب داد که هفت نفر مامور فرستاده ام
 ولی از آن مامور ها هم فائده عاید نشد — بعد چه شد ؟
 — بطرفه گذشت

(اینجا در نفر قوچانی را مرخص کرده رفتند)

وزیر - آصف الدوله شما بگوئید در وقت وقوع این قضیه که بقول قوچا - اینها روز (الامان) بود کجا تشریف داشتید؟ جواب - در مشهد - چه میکردید؟ - حاکم بودم - کی از این واقعه مطلع شدید؟ - همان طور که عرض کردند بعد از سه روز بتوسط تلگراف شیروان - باصفت حکومتی که داشتید چه اقدامی در این واقعه همائله ناکوار کردید؟

— فوراً تلگراف کردم بحاکم بجنورد و بطهران هم مخبره کردم - از طهران چه جواب رسید؟ - جواب دادند مامور میفرستیم و رشید نظام را مامور کرده فرستادند - جواب را ضبط کرده دارید؟ - بلی - مگر شما در بجنورد تحکمی نداشتید؟ - چرا جزء خراسان و در تحت حکومت من بود - پس چه حاجت داشتید که بطهران مخبره کنید باید فوراً بحکومت بجنورد تلگراف کنید جلوگیری کنند - ما راپورت جزء وکل را بدولت عرض میکردیم دولت صلاح در فرستادن مامور دید علاوه بحکام سرحد از طرف دولت زمین میشوند - بچوچان در خصوص اقدامات چه دستور العمل دادید؟ - دستور دادم ولی از سوار قوچان کاری ساخته نبود

اینجا وزیر رو کرد وکیل قوچان حاجی میرزا بابا و فرمودند شما وکیل قوچان هستید و اینجا بودید چه اطلاع دارند؟ جواب - این مسئله روشن و آفتاب بود که سالار مفخم همراهی با ترکمان کرد و آنها را راه داد از خاکش بروند و اهالی قوچان را بچاپند

وزیر - (خطاب باصف الدوله) سند و دلیل بر طبق ادعا و بی تقصیری خود دارید؟

آصف الدوله - بلی در کابینه وزارت داخله و خارجه همه تلگرافات و جواب آنها ضبط است -

محترم السلطنه - آنچه مادر کابینه داریم نوشتهجاتی است که در زمان مشیر الدوله بوده اما متعلق بزمان عین الدوله را ممانداریم

وزیر - خوب فرض کردیم تلگرافاتی که شما بطهران مخبره کرده اید در کابینه ضبط است یا گم شده آخر جوابیکه از طهران بشما دادند که باید نزد خودتان باشد چرا حواله میدهید بکابینه

آصف الدوله - بلی آنها را دارم، در کابینه هم هست - وزیر - سالار مفخم تلگرافات شمارا چه جواب داد؟ - آصف الدوله خاطر من نیست - علی التخمین چه بود؟ - علی التخمین میگفت از راه بجنورد نبوده یا اگر بوده دنبال کردیم رفته بودند

(اینجا شروع شد باستنطاق سالار مفخم)

وزیر - خوب اطلاع شما در این باب چیست بگوئید

- سالار اسراء را ترکمان دوه چی رعیت استر وزیر - از استرآباد چه طور و از کدام راه بقوچان سالار - طائفه دوه چی در (ینگچی چای) متعلق است که خاک استرا باد است و از اینجا آمده اند وزیر - از ینگچی چای چطور بقوچان آمده اند؟ سالار - از سرحدات و کوهها که بین بجنورد و سرحد روس است آمده اند (بقیه در نمره آتیه)

(تلگرافات خارجه)

از لندن ۱۲ در پاریس چنین مذکور است که مقصود از مقاله نامه منعقد بین ژاپون و فرانسه نه تنها مربوط بتصرفات خاصه فرانسه و ژاپون است بلکه ضمانت حفظ روابط فعلیه بین الدول رادر ممالک اقصی شرق مینماید

در مونت پلبه (در جنوب فرانسه) اغتشاشات جدید و شورشهای سخت دایر است چنانچه به منی از قهوه خانه ها منسوب و تاراج و اجماع مردم مستدلیها و میزهای دکاکین و قهوه خانه هارا بطرف عساکر دولتی می انداختند چندین نفر که از حدود قانون تجاوز کرده بودند گرفتار شدند وزیر مالیه فرانسه صف موکار هارا تشویق و ترغیب باتفاق مینماید که وضع محصول خویش رامرتب ساخته و ساختن شرابهی اشیا واجتناس پست را قدغن و متروک سازند

در مجلس ملی انگلیس از مورلی وزیر هندوستان سؤال نموده نطقهای شورش انگیزلیج باطری که باعث هیجان و انقلاب شده به ثبوت و تحقیق رسیده است یا نه و قصد حکومت هند در خصوص او چه چیز است حبس و تبعیدش تاچه مدت خواهد بود مورلی جواب داد که مقالات مشار الیه که مهیج اغتشاش است محل انکار نیست ولی جزئیات و دقائق مطلب را نمیتواند بعرض اجزای مجلس برساند همچنین تقصیر قانونی و طول حبس و تبعید او را نیز نمیتوانم بگویم

ایضاً در مجلس ملی انگلیس از وزیر خارجه پرسیده اند که مقاولات بلژیکی بین انگلیس و روس بجهت انعقاد عهدنامه معهوده در این ایام مربوط بکدام نقاط سرحدی است جواب داده است که تشریح و بیان اینمطلب فعلاً از عهده من خارج است ولی همین قدر سر بسته میگویم مسائلی که فعلاً در تحت مشاوره و مذاکره است مربوط بسرحد هندوستان است

(اعلان)

مرکز جریه فرهنگ اداره روزنامه مجلس است ماهی چهار نمره طبع میشود صاحب امتیاز اعتضاد العلماء مرتضی الشریفه حسن الحسینی الکاشانی